Archive of SID

تأملی در معماری سنتی

ناهید صادقی‌پی

استادیار دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: معماری سنتی، معماری تاریخی، معماری قدیمی، معماری بومی، معماری باهویت، معماری اصیل، معماری خودی، معماری بامعنی.

چکیده

معماری سنتی اصطلاحی است که در صحبت‌های بسیاری از معماران، مقاله‌ها و کتاب‌ها، بحث‌های مطرح‌شده در دانشکده‌های معماری، موضوعات مطرح‌شده در گفت‌وگوها و همایش‌های مربوط به معماری و امثال آن‌ها به کار می‌رود و همهٔ شنوندگان مفهوم آن را می‌فهمند و در پاسخ گوینده سؤال نمی‌کنند معماری سنتی چیست؟ اما در پرس‌وجو از افراد متفاوت، متوجه می‌شویم هر کسی از ظن خود این اصطلاح را معنی می‌کند و برای آن مفهوم خاصی در نظر دارد. به این سبب، در این مقاله سعی داریم در این امر تأمل کنیم و به معنی روشن‌تری برای معماری سنتی دست یابیم.

مقدمه

نبود تعریفی واحد و واضح برای معماری سنتی باعث شده است که هر کس به تعبیر خود آن را معنا کند. این دو واژه، یک تعریف مفهومی یا تلویحی دارند. اما این تعریف چیست؟ با شنیدن این مطلب، مخاطب باید به کدامین دسته‌بندی رجوع کند که در آن‌جا به جست‌وجوی این نوع معماری[1] خاص بپردازد؟

در دسته‌بندی‌های رایجی که در زمینهٔ معماری وجود دارد، معمولاً به یکی از ملاک‌های زیر توجه می‌شود که برگرفته از خود ساختمان است:

۱. کارکرد بنا: نظیر معماری خانه‌ها، مساجد، مدارس، حمام‌ها، اداره‌ها، ساختمان‌های تجاری و... .

۲. مصالح به‌کاررفته در بنا: نظیر معماری آجری، خشتی، چوبی، سنگی، بتونی، و... .

۳. سازهٔ بنا: ساختمان‌هایی با دیوار باربر، ستون‌دار، خرپایی و... .

۱. در این مقاله، معماری به معنی عام خود یعنی ساختمان و بنا به‌کاررفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

پرسش‌های تحقیق

۱. آیا معماری سنتی مفهومی واحد دارد؟
۲. معانی غالب متصوّر از معماری سنتی کدام است؟
۳. تعریف معماری سنتی چیست؟

۴. فرم بنا: ساختمان‌های گنبدی، سقف شیب‌دار، حیاط مرکزی و... .

به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از این نوع دسته‌بندی‌ها محدودکنندهٔ قلمروی معماری سنتی نیست؛ زیرا امکان دارد در همهٔ آن‌ها معماری سنتی هم وجود داشته باشد و تمام و یا تعدادی از زیرمجموعه‌های آن را دربرگیرد. برای مثال، ممکن است در دسته‌بندی‌های حاصل از نوع کارکرد بنا، برخی از گونه‌های آن، از جمله خانه، مسجد، مدرسه، حمام و...، دارای معماری سنتی باشد. بنابراین، برای تعیین معماری سنتی، به معیاری فراتر از این ملاک‌های رایج نیاز است که معمولاً ابعاد مادی و فیزیکی بنا را دربرمی‌گیرد. گویی باید به کیفیت و حال و هوایی توجه کرد و آن را ملاک قرار داد.

در جست‌وجوی این ملاک، تعاریفی از معماری سنتی تا حدودی کارگشاست.

اصطلاحات مترادف معماری سنتی

مهم‌ترین اصطلاحاتی که در تعریف این معماری گفته می‌شود، عبارت است از: معماری تاریخی، معماری قدیمی، معماری اصیل، معماری باهویت، معماری خودی، معماری بامعنی، معماری بومی و معماری محلی.

معماری تاریخی: معماری‌ای است که جنبهٔ تاریخی دارد و منسوب به تاریخ است. در تعریف تاریخ آمده است:

«سرگذشت یا سلسله اعمال و وقایع و حوادث قابل ذکر که به ترتیب ازمنه تنظیم شده باشد. تعیین کردن مدتی از ابتدای امری عظیم و قدیم و مشهور تا ظهور امر ثانی که عقب اوست؛ رقمی که زمان را نماید، زمان وقوع واقعه‌ای».[۲]

پس در حقیقت، معماری تاریخی به معماری ساخته‌شده در یک دورهٔ زمانی خاص ربط پیدا می‌کند و گوینده با بیان این اصطلاح، نوعی بار زمانی در نظر دارد.

معماری قدیمی: در این نوع معماری، به بعد زمان توجه می‌شود. قدیم در لغت به معنی «دیرینه، پیشین و سابق است و قدیمی یعنی دیرینه، کهن، سال‌دیده و پیر».[۳] پس معماری قدیمی در حقیقت نوعی معماری است که مو سپید کرده و گَرد تاریخ بر چهره دارد و باتجربه و پیر است. بنابراین، این معماری متعلق به زمان حال نیست و در گذشته ریشه دارد؛ باید به آن احترام گذاشت. نکتهٔ

۲. *فرهنگ فارسی معین*، ص۳۰۵.
۳. همان، ص۶۹۳.

www.SID.ir

Archive of SID

دیگــری که در مورد این واژه مطرح اســت، وجود نوعی تقدس برای آن است. قدیم نامی از نام‌های خدای‌تعالی است.

معمــاری بومی: ایــن نوع معماری، به ســرزمین و ناحیه‌ای خاص تعلق دارد. لغت «بوم» بار مکانی دارد و،

> محدودهٔ مشخص‌شده‌ای از مکان را، که دارای مرزی معین است، شامل می‌شود.[۴]

دیگــر واژهٔ نزدیک به آن، «محــل» و «محلی»، هم همین بــار مکانــی را دارد. این واژه نیز محــدوده‌ای خاص از مکان را دربرمی‌گیرد که دارای شــرایط محیطــی و اقلیمی به‌خصوصی اســت. بنابراین، این دو مترادف معماری ســنتی، یعنی معماری بومی و معماری محلی، در حقیقت بر وجه تعلق معماری ســنتی به محدوده‌های تعریف‌شده از یک مکان و سازگاری آن با شرایط محیطی و آب و هوایی تأکید دارد.

معماریِ باهویت: این اصطلاح مترادف دیگری برای معماری سنتی اســت. هویت در لغت با مفاهیمی چون، «ذات باری‌تعالی، هســتی، وجود و آن‌چه موجب شناسایی شــخص باشد، تعریف شده اســت».[۵] اگر هویت به معنی چیزی اســت که موجب شناسایی می‌شود، پس در حقیقت نوعی کارت شناسایی، نوعی شناسنامه، و مدرکی اســت که معمــولاً در آن نام و نام خانوادگی و ســال تولــد و نام پــدر و مادر و... ذکر می‌شــود. با این مقدمه، شــاید بتوان معمــاری باهویت را به «معماری قابل شناســایی» تعبیر کرد. نوعی معماری که می‌توان آن را شــناخت؛ زیرا سابقه‌ای از آن موجود است، خاندان و جدوآبادی روشن دارد و بااصل‌ونسب است.

«اصیــل» در لغت به معنی «نژاد، گهــر، والاتبار و نجیب» و «اصالت»، «بانژاد بودن، گهر داشــتن، نجابت داشتن، شرافت داشــتن، والاتباری و پدرداری» تعریف شده است.[۶] «نجیب» را هم «گوهر، نژاده، اصیل، پارســا، عفیف، هر چیز ممتاز و آن که از خانوادهٔ بزرگ باشــد»، معنی کرده‌اند.[۷] با این مقدمات، شــاید بتوان معماری اصیل را نوعی معماری دانســت که ممتاز اســت، همچون گوهر ارزشمند است و جنبهٔ قومی و نژادی دارد؛ منتهی نــه هر قوم و نژادی؛ بلکه قوم و نژادی والا و شــریف و متخلق به ارزش‌های اخلاقی.

در اظهــارات در زمینــهٔ معمــاری ســنتی، واژهٔ «خودی» و اصطلاح «معماری خودی» هم وجود دارد. «خودی» در لغت به معنی «آشنا»ســت. پس معماری خودی نوعی از معماری است که آشــنا باشد. آشــنا، قابل شناسایی اســت و همه آن را درک می‌کنند و می‌فهمند. آشــنا بودن زمانی رخ میدهد که سابقه‌ای از شناخت وجود داشته باشد. پس غریبه و بیگانه هیچ‌گاه آشنای ما نخواهــد بود. به این ترتیب، معماری خــودی نوعی معماری مستقل است و از خارج وارد نشده است. در فرهنگ خودی ریشه دارد و از ویژگی‌هــای فرهنگی و اعتقــادی و رفتاری و آداب و رسوم مردم و... سرچشمه می‌گیرد و با آن‌ها انطباق کامل دارد.

معمــاری بامعنی: در فرهنــگ لغت برای کلمــهٔ «معنی»، «قصدشــده، مقصود، مراد، مفهوم کلام، مفهوم سخن، حقیقت، باطــن، موضوع و مطلب» آمده اســت.[۸] پــس معماری معنی‌دار قصــدی دارد. با این نــوع معماری نه تنها ســاختمانی مادی و فیزیکی برپا میشود، بلکه معنی و مفهومی قصدشده در آن جاری میگردد؛ نه تنها ظاهر، بلکه باطنی پدیدار می‌شــود؛ حقیقتی در آن به‌وجود می‌آید.

در یک جمع‌بندی کوتاه، شاید بتوان گفت که معماری سنتی به چهار عامل زیر بستگی دارد:

۱. زمان
۲. مکان
۳. فرهنگ
۴. معنایی خاص.

این چهار عامل ثابت نیســت. برای مثال، آن بنایی که امروز سنتی نیست، چه بسا در چند قرن آینده، حکم سنتی بیابد. شاید آن الگویی که در نواحی بوشهر معماری سنتی شناخته می‌شود،

۴. همان، ص۲۲۰.
۵. همان، ص۱۰۱۴.
۶. همان،ص۱۱۹ـ۱۱۸.
۷. همان، ص۹۴۶.
۸. همان، ص۸۸۸.

www.SID.ir

Archive of SID

در منطقهٔ تبریز آشنا نباشد. شاید آلاچیقی که در فرهنگ مردم ترکمن سنتی است، برای مردم بلوچ مفهوم دیگری داشته‌باشد. ممکن است معنای نظام خانواده و نوع سامان‌دهی سنتی خانه‌های عرب‌های خوزستانی، در نزد مردم کرد و لر شکل متفاوتی داشته و به گونه‌ای دیگر باشد. بنابراین، این چهار عامل، دایرهٔ محدود و ثابتی را، که لازمهٔ پی‌گیری تعریفی واحد و یکسان است، ندارد و برای روشن شدن این دایره در هر وضعیت خاصی، باید این چهار عامل را دقیقاً مشخص کرد.

حال که به کمک مترادف‌های معماری سنتی مشخص شد که برای رسیدن به تعریفی از این معماری، باید ابتدا دایرهٔ محدودی از وجوه زمانی و مکانی و فرهنگی و معنایی را روشن کرد، بد نیست به واژهٔ «سنت» نیز نظری بیفکنیم تا شاید از این راه بتوانیم به معنی «معماری سنتی» نزدیک شویم و از چگونگی و کیفیت این معماری اطلاعات بیشتری به‌دست آوریم.

سنت چیست؟

در *لغت‌نامهٔ* دهخدا، برای واژهٔ «سنت» تعاریف زیر آمده است:

> راه و روش، طریقه و قانون و روش، آیین و رسم و نهاد، احکام و امر و نهی خدای‌تعالی، فرض و فریضه، واجب و لازم، احکام دین، راه دین و شریعت». در فرهنگ معین در تعریف این کلمه آمده است: «راه، روش، سیرت، طریقه، عادت، گفتار و کردار و تقریر معصوم (پیغمبر و امامان).

مترادف انگلیسی کلمهٔ «سنت»، واژهٔ «تردیشن»[۷] است. در معنی این کلمه در *لغتنامهٔ آکسفورد* چنین آمده است: «نظر، عقیده و رسمی که از پیشینیان به آیندگان دست‌به‌دست شده است.»[۸]

به باور ویلیامز، ریشهٔ این کلمه در لاتین traditionem مشتق از tradere به معنی «دست‌به‌دست شدن و تحویل دادن» است. او عقیده دارد که این واژه از زبان فرانسوی به انگلیسی وارد شده و معانی اصلی آن «تحویل دادن، دست‌به‌دست دادن دانش، انتقال عقیده و نظر و...» است.[۹]

شیلز، که کتابی در مورد سنت نوشته است، می‌گوید:

> سنت همان چیزی است که دست‌به‌دست شده و شامل تمام چیزهایی است که جامعه‌ای در یک دورهٔ زمانی خاص داراست. چیزهایی که قبل از آن زمان در جامعه وجود داشته و مالکان فعلی، اکنون به آن‌ها دست یافته‌اند.

به نظر شیلز، سنت تنها محصول یک روند فیزیکی در دنیای خارجی نیست. سنت تنها نتیجه و محصول یک سلسله الزامات اکولوژیک و فیزیولوژیک هم نیست؛ بلکه چیزی فراتر از این‌هاست.[۱۰]

راپاپورت، که در زمینه‌های فرهنگی محیط مصنوع تحقیقات ارزشمندی انجام داده، عقیده دارد سنت مفهومی بسیار عام است. هر چیزی که در طول زمان منتقل شود و به زمان بعد از خود برسد، سنت است. به این سبب، این مفهوم به قلمروهای گوناگونی چون روش زندگی، رفتارها، وقایع، ارزش‌ها، تصورات، قوانین، فلسفه، هنر، معماری، یادمان‌ها، صنایع‌دستی، حکومت‌ها، سیاست‌ها، مؤسسات و نهادها و... اطلاق می‌گردد و همهٔ آن‌ها را دربردارد.[۱۱]

برخی دیگر از محققان نیز با عقیدهٔ راپاپورت در زمینهٔ ارتباط سنت با فرهنگ جامعه موافق‌اند. کروبر که از زمرهٔ این افراد است، رابطهٔ بین سنت و فرهنگ را چنین بیان کرده است: فرهنگ در طول تاریخ و عرض جغرافیای زمین منتقل می‌گردد. گسترش فرهنگ را در بعد مکان «انتشار» و نفوذ و گسترش آن را در طول زمان «سنت» می‌گویند.[۱۲]

یکی دیگر از کسانی که بین سنت و فرهنگ و میراث‌های فرهنگی جامعه رابطه‌ای برقرار کرده، دوبرولسکی است. او می‌گوید:

7. tradition
8. *The Concise Oxford Dictionary*, 1353.
9. Williams, Raymond. Keywords: *A Vocabulary of Culture and Society*, P. 269
10. Shils, E. *Tradition*, P. 12.
11. Rapoport, A. On the Attributes of Tradition", in Bourdier, J.P. and Alsayyed, N. (Eds.), *Dwellings, Settlements and Tradition*, P. 84
12. Kroeber, A.L. *Anthropology: Culture Patterns and Processes*,P. 219
13. Dobrowlski, K. "Peasant Traditional Culture" in Shanin, T. (Ed.), *Peasants and Peasant Societies* , P. 277

www.SID.ir

Archive of SID

سنت دربرگیرندهٔ تمام میراث‌های فرهنگی است که از یک نسل به نسل دیگر دست‌به‌دست داده می‌شود.[۱۳]

دافنر هم عقیده دارد،

سنت عبارت است از انتقال شفاهی و غیر شفاهی اطلاعات در بین مردمی که دارای فرهنگی مشترک هستند.[۱۴]

ایـن گـروه از صاحب‌نظران در زمینهٔ بیـان تعریفی جامع و کامل از سـنت اتفـاق نظر ندارند، ولی متفق‌القول‌اند که سـنت مقولـه‌ای فرهنگی اسـت که با دست‌به‌دسـت دادن و انتقال و استمرار همراه است.

ویژگی‌های معماری سنتی بر مبنای تعریف سنت

با توجه به ویژگی‌های سنت، می‌توان نتیجه گرفت که: معماری سـنتی عبارت اسـت از آن گونه معماری کـه اولاً بار فرهنگی خاصی داشـته باشد و ثانیاً در طول زمان دست‌به‌دست شده و از نسـلی به نسلی دیگر رسیده باشد. این تعبیر از معماری سنتی را اولیور نیز در مقاله‌ای با همین عنوان آورده است.[۱۵]

ایـن تعریف اشـکال‌هایی هم دارد؛ زیرا بـر طبق آن، همهٔ بناهایی که از گذشته تا به امروز باقی مانده‌اند، در جرگهٔ بناهای سـنتی قرار می‌گیرند. این معیار، دقت کافی ندارد و زمینه‌سـاز سؤالات بسیاری است. مثلاً می‌توان پرسید: از چه زمانی، گذشته محسوب می‌شود؟ دیروز، سال گذشته، پیش از انقلاب اسلامی، دورهٔ قاجار، پیش از اسـلام و...؟ بعد از گذشـت چه مدتی، یک شیء صفتِ تعلق به گذشـته به‌خود می‌گیرد و سنتی به حساب می‌آید؟

در پاسخ به این سؤال‌ها، برخی به فاصلهٔ زمانی بین دو نسل اشـاره می‌کنند و می‌گویند هر چیزی که از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، حکم سنتی به‌خود می‌گیرد. بر این اساس، معماری سـنتی عبارت است از بناهایی که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شـوند.[۱۶] به این اعتبار می‌توان گفت هر ساختمانی که طول عمری برابر با دو نسـل دارد، سنتی اسـت. واضح است که این تعریـف دقت چندانی ندارد و سـنتی بـودن را تنها با طول عمر ساختمان نمی‌توان محک زد!

توئان بر این باور است که تنها بخش کوچکی از بناهایی که امروز در اختیار داریم و می‌بینیم، به آینده خواهد رسـید و حفظ خواهد شـد و هرچه این آینده دورتر شـود، بخش کوچک‌تری از بناهـا ماندگار خواهند شـد. به این ترتیـب، همهٔ بناهایی که دست‌به‌دسـت شـده و اکنون به ما به‌یادگار رسیده است، سنتی نیسـتند. بلکه تنهـا معـدودی از آن‌ها چنین ارزشـی دارند. به عبـارت دیگر، تنهـا آن تعدادی که دارای معانـی و ارزش‌های شایسـته‌ای هستند، این ویژگی را قایل‌اند.[۱۷] حال سؤال دیگری شـکل می‌گیرد: معانی و ارزش‌های شایسته‌ای که یک بنا باید داشته‌باشد، چیست؟

ویژگی معنایی معماری سنتی

بـرای دسـت‌یابی بـه معانـی و ارزش‌هـای معماری سـنتی، سخن سیدحسـین نصر در مقالهٔ «سنت چیسـت؟» تا حدودی کارگشاست. کلمهٔ عربی «الدین» مناسب‌ترین معادل برای کلمهٔ tradition یا سنت است. زیرا سرچشمهٔ سنت امر قدسی است و آنچه سـنتی است، از امر قدسی جداناپذیر است. سنت به معنای حقایق و اصولی اسـت که دارای منشـاء الهی بوده و بر بشـر و در واقع بر کل قلمرو کیهانی وحی و الهام شـده اسـت. سـنت به‌طـور تفکیک‌ناپذیری با وحی و دین، با امر قدسـی، با عقیدهٔ راست‌کیشـی، با اقتدار، با زندگی روحانی و با علم و هنر مرتبط است. سـنت آن حقیقت واحدی است که قلب و سرچشمهٔ تمام حقایق اسـت. تمام سـنت‌ها تجلیات زمینیِ الگوهایی آسـمانی هستند که نهایتاً به آن الگوی پایدار سنت ازلی متصل‌اند.[۱۸]

نصر می‌گوید که سـنت، با این تعبیر، در تمدن غرب هنگام آخرین مرحلهٔ تقدس‌زدایی معرفت و عالم پیرامون انسان مدرن

14. Daffner, J.D. "The Many Faces of Tradition: Naxi courtyard Compounds", *Traditional Dwellings and Settlements Working Paper Series*, Vol. 39, P. 3
15. Oliver, Paul . "Handed Down Architecture: Tradition in Transmission", in Bourdier J.P. and Alsayyad, N., *Dwellings, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives,* P. 80
16. Boudier, 1989: 5
17. Tuan, Yi-Fu . "Traditional: What Does it Mean?", in Bourdier, J.P., and Alsayyed, N.(Eds.), *Dwelling, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, P. 28
۱۸. نصر، سیدحسـین، *معرفت و امر قدسی*، ص ۵۴ـ۶۸.

www.SID.ir

Archive of SID

رواج یافت. کشـف دوبارهٔ سنت، گونه‌ای ترمیم جهانی به وجود آورد، زیرا آن حقیقتی که قالب حیات انسـان متعادل را در طول اعصار به‌وجود میآورد، تقریباً از دست رفته و به افول گرویده بود. او اضافه می‌کند که در زبان‌های گوناگون پیش از دوران مدرن، اصطلاحی که دقیقاً با tradition در این مفهوم هماهنگ باشد، به‌کار برده نمی‌شـد؛ زیرا انسانِ پیش از مدرن به‌قدری در جهان مخلوق سنت غرق بود که نیازی به تعریف این اصطلاح نداشت. او مانند بچه‌ماهیانی بود که از مادرشـان دربارهٔ آب سؤال کردند و مادر در پاسـخ به آن‌ها گفت که بروند و چیزی بیاورند که آب نباشد. به همین طریق، انسان‌های پیش از مدرن هم در عوالمی زندگی میکردند که اشـباع از سـنت بود و مفهوم مستقلی به نام سنت معنی نداشت.[۱۹]

امر قدسی شبیه خونی است که در سیاه‌رگ‌ها و سرخرگ‌های سـنت جاری باشد و عطری است که در سراسر هر تمدن سنتی پراکنده است. به این ترتیب، سنت، حضور امر قدسی را در سراسر جامعه بسط می‌دهد و تمدنی ایجاد می‌کند که معنای امر قدسی در در همهٔ عرصه‌های آن و از جمله در معماری حاضر است. در این زمینه اردلان می‌گوید:

> جامعهٔ سـنتی در درون یک نظام معنوی زندگی می‌کند که هـم از لحاظ کیفی و هم از لحـاظ کمّی، جویای هماهنگی و تناسـب کامل اسـت. آفریده‌های آن، چـون معماری، از جهان‌بینی‌هـای تام و کاملـی مایه می‌گیرد کـه نیروهای خلاقهٔ انسان را پدید می‌آورد، آن را به سوی غایتی رهنمون می‌شـود و در عین حال، جامعه را به‌صورت کل واحد وحدت می‌بخشد.[۲۰]

در این جامعه، انسـان سنتی به سوی گونه‌ای توجیه و تبیین امور برانگیخته می‌شـود که تفسـیری معنـوی و عرفانی دربارهٔ حیات به‌دسـت دهـد و مقدم بر مشـاهده و ادراک خارجی و در عین حال مافوق آن باشـد. به این ترتیب، انسـان سنتی نه تنها به ظاهر، بلکه به باطن نیز توجه بسـیار دارد. ظاهر، عبارت است از صورت حسـی یا جنبه‌های ظاهری و کمّی اشیا که به آسانی قابل درک اسـت؛ مانند شکل یک ساختمان، بدن انسان و رنگ کاشـی‌ها. باطن عبارت اسـت از جنبهٔ کیفی و فعلی معنویت که همهٔ اشیا واجد آن‌اند.[۲۱]

این نگرش، در همهٔ انسان‌های یک جامعهٔ سنتی وجود داشته و از طریق آنان بر تمام شؤن جامعه جاری می‌شده است. شخص معماری که سـازندهٔ بناهای سـنتی اسـت، نیز از چنین نگرشی برخـوردار بـوده و این‌گونه توجـه را به معماری ابـراز می‌کرده است. برای روشن‌تر شدن این امر، در ادامه، توضیحاتی در مورد ویژگی‌های معمار و نحوهٔ آموزش و طراحی او ارائه می‌شود.

معمار سنتی

پدیـدآوردن بنایی سـنتی که، عـلاوه بر ظاهری شایسـته، به باطن و معنایی ارزشـمند هم توجه داشته‌باشـد، کار هر کسـی نیسـت و به معمار خاص و ویژه، به معماری سنتی، نیاز دارد. در مـورد خصوصیات این فرد و نحوهٔ آمـوزش او، قیومی بیدهندی توضیحات بسیار خوبی ارائه داده است:

> معمار سـنتی پیشهٔ خود را مقدس می‌دانست، زیرا جایگاه خویش را در سلسله‌ای قدسی می‌دید که از طریق آن به «معمار جهان» متصل می‌شـد. معماران خداوند را معماری می‌دانسـتند که گنبد کبـود و عظیم جهان را برافراشـته و همهٔ جهـان را چنان زیبا و کارامد آفریده اسـت که هیچ سسـتی در آن دیده نمی‌شود. پس در معماری نیز باید بدو تشـبه جسـت، بنای خلق خدا را با خُلقی خدایـی سـاخت و در نظم و کارایی و زیبایـی و خلل‌ناپذیری، از عمـارت الهی تقلید کرد. بنا را باید چنان سـاخت که با دسـتگاه معمـاری کائنات هماهنگ باشـد و در برابر نظام طبیعت قد علم نکند، بلکه جزئی از آن به‌شمار آید.[۲۲]

در جامعهٔ سـنتی، آثـار معماری، آثاری مصنـوع و منفک از خلقت نبود؛ بلکه جزئی از آن شـمرده می‌شـد. از این‌رو، معمار

۱۹. همان، ص۳۶.
۲۰. نک. اردلان،«سـاختمان، مفاهیم سـنتی معماری و شهرسازی ایران»، *بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوههای نوین ساختمان*.
۲۱. همان، ص۳۲ـ۳۱.
۲۲. قیومـی بیدهنـدی، مهـرداد. «آموزش معمـاری در دوران پیش از مدرن برمبنای رسالهٔ معماریه»، *صفه* ش۴۲، ص۷۳.

www.SID.ir

Archive of SID

نهایت هنر خود را در این نمی‌دانست که اثری متباین با طبیعت بسازد؛ بلکه در این می‌دانست که اثر او، هم در عمل آسیبی به طبیعت نرساند و هم در سیمای خود با طبیعت متباین نباشد. در عالم پیش از مدرن،

> معمار خود را مستحیل در جامعه و معیارهای آن می‌دید و وظیفهٔ خود را در نهایت، بهبود بخشیدن آن ضوابط می‌دانست. نوآوری در آن زمان نیز ممدوح بود؛ اما مفهومی دیگر داشت. نوآوری به معنای در انداختن طرح‌های تازه در چهارچوب زیباشناسی مقبول و با حفظ اصولی بود که سنت ایجاب می‌کرد. تجاوز از این حدود را نه نوآوری ممدوح، بلکه بدعت مذموم می‌شمردند و خود را موظف به بهره‌گیری از تجارب هزاران سالهٔ معماران پیش از خود در فراهم آوردن سکونت‌گاه مطلوب انسان می‌دانستند.[۲۳]

معماران سنتی از دل نظام صنفی معماری، که از دل جامعه جوشیده و به صورتی طبیعی شکل گرفته و رشد یافته بود، برمی‌خاستند. آنان از روز نخست، در کسوت کارگری و غلامی و شاگردی با نظام صنفی خود آشنا می‌شدند و به فراخور استعداد و پشت‌کار خود، مدارج آن‌را طی می‌کردند. به این ترتیب، آموزش معماران در دوران پیش از مدرن و در جامعهٔ سنتی در دل نظام صنفی صورت می‌گرفت. در آن جامعه، آموزش معماری امری نظری و خارج از عالم حرفه و جدا از مردم نبود. معمار بر اساس طرحهای فرضی دانشگاهی تعلم نمی‌کرد؛ بلکه از همان ابتدا در دل زندگی واقعی و در جریان عملی حیات جامعه آموزش می‌دید؛ لذا بنایی که می‌ساخت، هم با نیازهای جسمانی و روحانی و روانی مردم مناسبت بیشتری داشت و هم با نظام زیبایی‌شناسی آنان سازگارتر بود.[۲۴]

شیوهٔ آموزش معماری سنتی

تفاوت دو شیوهٔ آموزش معماری سنتی و غیر سنتی، از دیدگاه الکساندر آن‌قدر بارز و برجسته است که می‌توان آن‌را ملاکی برای تشخیص این معماری در نظر گرفت. او به هر دو گونهٔ فرهنگ خودآگاه[۲۵] و فرهنگ ناخودآگاه[۲۶] فکر می‌کند. به نظر او، فرهنگی ناخودآگاه است که آموزش و یادگیری در آن به صورت غیر رسمی و از راه تقلید و تکرار انجام می‌شود. ولی در فرهنگ خودآگاه، این مسئله از راه آموزش رسمی و بر طبق قوانین خاص و روشنی صورت می‌پذیرد.[۲۷] به باور او، معماری سنتی محصولی از سیستم آموزش ساخت‌وساز غیر رسمی فرهنگ ناخودآگاه است.

نظریهٔ الکساندر موافقان و مخالفانی دارد. آپتون از جمله کسانی است که به‌کارگیری صفت ناخودآگاه را چندان مناسب نمی‌داند و می‌گوید:

> معماری سنتی تبلور ایده‌هایی است که از استعداد و خلاقیت آدم‌هایی آگاه سرچشمه گرفته است. آدم‌های آگاهی که به‌خوبی می‌دانند چه می‌خواهند و برای رسیدن به خواسته‌هایشان روش‌هایی دارند.[۲۸]

هوبکا هم در این زمینه یادآوری کرده است:

> این نکته که روش ساخت سنتی، روشی ناخودآگاه است، تنها به این مضمون است که طراحی این بناها در تصاویر رسم‌شده و نوشته‌های مکتوب ارائه نمی‌شود و اعضای گروه طراحی، آن را تجزیه و تحلیل و بررسی نمی‌کنند. ولی در عوض باید گفت که روش ساخت این بناها یک روش قانونمند طراحی است و با استفاده از یک زبان فکری سنتی، که دارای ساختاری بسیار عمیق و پیچیده است، به‌کار گرفته می‌شود. این زبان قواعد و اصول (گرامر) معماری خاص خود را دارد.

هوبکا این شیوهٔ به‌کارگیری قوانین را «روش سنتی طراحی»[۲۹] می‌نامد و آن را از روش‌های آکادمیک و مدرس‌های و رسمی آموزش طراحی معماری کاملا متفاوت می‌بیند.[۳۰]

روش طراحی سنتی

اصول اساسی و پایه‌ای روش طراحی سنتی در سنت‌ها ریشه دارد. کسی که می‌خواهد روش طراحی سنتی را دریابد، باید

۲۳. همان، ص۷۴ـ۷۵.
۲۴. همان، ص۷۶ـ۷۷.
35. selfconscious
36. unselfconscious
37. Alexander, Christopher . *Notes on the Synthesis of Form,* P. 36.
38. Upton, Dell and Vlach. Common Places: *Reading in American Vernacular Architecture*, P. 426.
39. folk design
۳۰. همان

www.SID.ir

Archive of SID

بداند که در این روش، صورت‌های معماری از یک نظام فکری، که تحت سیطره و تسلط سنت‌هاست، نشئت می‌گیرد. در این روش، طراحی تنها در ذهن افراد طراح بنا شکل می‌گیرد. بقای این روش در فرهنگ، از طریق سنت‌ها و انتقال دست‌به‌دست آن‌ها صورت می‌گیرد. انتقال اطلاعات ذهن طراح به دیگران از طریق بیان شفاهی خود او، مشاهدهٔ اعمال او و تکرار کارهای او به‌وسیلهٔ شاگردانش انجام می‌پذیرد. این روش طراحی کاملاً از روش‌های مدرن و آکادمیک طراحی متمایز است. زیرا روش سنتی طراحی یک روش غیر مکتوب طراحی است و طرح تنها در ذهن سازندگان آن مجسم می‌شود.[۳۱] هوبکا در ادامهٔ توضیحاتش در بارهٔ روش طراحی سنتی، اضافه می‌کند:

> اگر کسی می‌خواهد روش طراحی سنتی را بفهمد، باید خویش را آماده کند تا راه انتقال سنت‌ها به طرحهای پیچیدهٔ معماری را در ذهن طراح پی‌گیری کند.[۳۲]

در بارهٔ روش سنتی طراحی، برداشت‌های غلطی هم وجود دارد. از جمله این گمان‌های نادرست می‌توان به نادیده انگاشتن معماران سنتی و دست کم گرفتن قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان اشاره کرد زیرا تصور می‌شود معماران سنتی افراد معمولی جامعه بوده‌اند. در بسیاری جوامع، سازنده و استفاده‌کنندهٔ بنا یکی بود و مالک بنا خود در طراحی و ساخت آن دخالت داشت، اما این مسئله به‌هیچ‌وجه نقش معماران سنتی را، که سازندهٔ بناهای بسیار باارزشی بودند و سبب شکلگیری میراث‌های غنی معماری شدند، کم‌اهمیت نمی‌سازد.

معماران سنتی، روش‌های پیچیده و قانونمندی برای طراحی و پدیدآوری فرم‌های فضایی داشتند که گرچه با روش‌های مدرن طراحی متفاوت است، هدف نهایی یکسانی را دنبال می‌کند که عبارت است از «تبدیل ایده‌هایی به صور فضایی». بنابراین، معماران سنتی هم مانند همکاران مدرن خود، افرادی متخصص و آموزش دیده‌اند که توانایی‌های خلاقانه‌ای در طرح و ساخت و اجرای بنا دارند و فقط روش کارشان با طراحان امروزی متفاوت است. طراحان سنتی تنها در حوزهٔ سنت‌ها به‌کار می‌پردازند و از آن فراتر نمی‌روند. به این سبب، در مقایسه با طراحان مدرن و امروزی، حوزهٔ محدودتری در اختیار دارند. ولی این محدودیت به معنای آن نیست که خلاقیت آن‌ها از همکاران مدرنشان کمتر است. در ضمن، معماران سنتی روند کار طراحی خویش را در ذهن خود و در زمینه‌ای محدود و تعریف‌شده، از طریق فرهنگ جامعهٔ خویش دنبال می‌کنند و از میان امکاناتی که ساخته و پرداختهٔ سنت‌هاست، به گزینش و عمل می‌پردازند.[۳۳]

جمع‌بندی

در نتیجه‌گیری از آنچه گذشت، باید اذعان داشت که بیان تعریفی جامع و کامل برای معماری سنتی به‌راحتی امکان‌پذیر نیست. با بررسی مترادف‌های رایجی که مردم برای این اصطلاح ابراز می‌دارند، مشخص شد که معماری سنتی از چهار بار زمان (معماری تاریخی، معماری قدیمی، و...)، مکان (معماری محلی، معماری بومی و ...)، فرهنگ (معماری خودی، معماری اصیل، معماری باهویت) و معنا (معماری بامعنی، معماری باارزش، و...) برخوردار است. از آن‌جا که این چهار عامل متغیرند، بیان تعریفی که در همهٔ وضعیت‌ها مصداق یابد، امکان‌پذیر نیست. اما می‌توان به برخی از صفات کلیدی این معماری اشاره کرد. این صفات کلیدی از جمع‌بندی اطلاعات حاصل از سه تأمل زیر فراهم آمده است:

۱. بررسی لغوی واژهٔ سنت.

۲. پیدا کردن سرچشمهٔ سنت.

۳. یافتن تاریخچهٔ پیدایش و استفاده از این واژه در جامعه.

با بررسی لغوی واژهٔ سنت روشن شد که سنت مقوله‌ای فرهنگی است که با دست‌به‌دست دادن و انتقال و استمرار همراه است. بر اساس این ویژگی، صفت «سنتی» به چیزی اطلاق می‌شود که باری فرهنگی داشته باشد، بیانگر و تبلور فرهنگ

۳۱. همان
۳۲. همان
۳۳. همان، نقل به مضمون

www.SID.ir

Archive of SID

جامعه باشــد و آن الگوی شناخته‌شده و فرهنگی، در طول زمان دست‌به‌دست شده و از نسلی به نسلی دیگر رسیده و ادامه یافته باشــد. با این تعریف از ســنت، معماری ســنتی عبارت است از آن‌گونــه معماری کــه در جامعه وجود داشــته و در طول زمان استمرار یافته است.

در جســت‌وجوی سرچشمهٔ سنت به امری قدسی برخوردیم: تمام ســنت‌ها تجلیات زمینیِ الگوهایی آســمانی هستند که در نهایت به آن الگوی پایدار ازلی متصل‌اند. سنت به معنای حقایق و اصولی اســت که منشــأ الهی دارد و به انسان و در حقیقت به همهٔ قلمروی کیهانی وحی و الهام شــده اســت. به این ترتیب، سرچشــمهٔ سنت امری قدسی اســت و آنچه سنتی است، از امر قدسی جدایی‌ناپذیر است.

پیگیری تاریخچهٔ پیدایش و استفاده از واژهٔ سنت در جامعه، به دوران پس از مدرن می‌رسد. تا پیش از دوران مدرن، انسان‌ها در عوالمی زندگی می‌کردند که اشباع از سنت بود. به این سبب، مفهوم مســتقلی به نام ســنت، برای آنان معنی نداشت. در یک جامعهٔ ســنتی، امر قدسی چون عطری در سراسر جامعه، در همهٔ عرصه‌های آن و از جمله در معماری حضور داشت.

بــرای پدید آوردن بنایی ســنتی، یعنی معمــاری‌ای که امر قدســی در آن حضور دارد، به معمار ســنتی نیاز است؛ کسی که پیشــهٔ خود را مقدس می‌داند و جایگاه خویش را در سلســله‌ای قدســی می‌بیند کــه از طریق آن بــه «معمار جهــان» متصل می‌شــود. معمار ســنتی از دل یک نظام صنفــی معماری، که از دل جامعه جوشــیده و به‌صورتی طبیعی شــکل گرفته، برخاسته و روش آمــوزش او با نحــوهٔ آموزش معماران امــروزی، که در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد، کاملاً متفاوت است.

اما نه تنها شــیوهٔ آموزش معمار ســنتی، بلکه روش طراحی معماری او هــم با طراحان امروزی تفاوت دارد. این نکته (تمایز و تفــاوت بــارز روش آمــوزش و طراحی ســنتی بــا روش‌های حرف‌های و رســمی یا مدرس‌های آمــوزش و طراحی معماری که روش غالب امروزی طرح و اجرای بناهاســت)، از نظر برخی صاحب‌نظران چنان شــاخص و برجسته است که آن را ملاک و معیاری برای تشخیص و تبیین معماری سنتی دانسته‌اند.

بنابراین، سه ویژگی اساسی معماری سنتی عبارت است از:

۱. معماری ســنتی محصول روشی سنتی در طراحی و ساخت است.

۲. معماری ســنتی دارای الگوهایی اســت کــه تبلور فرهنگ جامعه اســت، در طول زمان اســتمرار یافته و دست‌به‌دســت گشته و منتقل شده است.

۳. معماری ســنتی با امر قدســی مرتبط و گونــه‌ای معماری باارزش و بامعناست.

کتاب‌نامه

اردلان،«ســاختمان، مفاهیم ســنتی معماری و شهرســازی ایران»، *بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان*، تهران: خانهٔ ترجمه، ۱۳۴۹.

قیومی بیدهندی، مهرداد. «آموزش معماری در دوران پیش از مدرن برمبنای رسالهٔ معماریه»، *صفه*، ش۴۲، سال پانزدهم، ۱۳۸۵.

لغتنامه دهخدا. علی‌اکبر دهخدا، لوح فشرده، نسخهٔ ۳.

فرهنگ فارسی. محمد معین. تهران: ساحل، ۱۳۸۴.

نصر، سیدحســین، *معرفت و امر قدســی*، ترجمهٔ فرزاد حاجی، تهران: فرزان روز، ۱۳۸۰.

Alexander, Christopher . *Notes on the Synthesis of Form*, USA: Harvard University Press,1964.

Daffner, J.D. "The Many Faces of Tradition: Naxi courtyard Compounds", *Traditional Dwellings and Settlements Working Paper Series*, Vol. 39, CEDR (Center for Environmental Design Research), Berkeley: University of California, 1992.

Dobrowlski, K. "Peasant Traditional Culture" in Shanin, T. (Ed.), *Peasants and Peasant Societies*, Hamondsworth: Penguin Book, 1997.

Hubka, Thomas . "Just Folk Designing: Vernacular Designers and the Generation of Forms", in Upton, Dell and Vlach, John Michael (Eds.), *Common Places: Reading in American Vernacular Architecture*, USA: University of Georgia Press, 1986.

www.SID.ir

Archive of SID

Kroeber, A.L. *Anthropology: Culture Patterns and Processes*, Harcourt Brace and World, 1963.

Oliver, Paul . "Handed Down Architecture: Tradition in Transmission", in Bourdier J.P. and Alsayyad, N., "Dwellings, *Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, Lanham: MD: University of America, 1989.

Rapoport, A. On the Attributes of Tradition", in Bourdier, J.P. and Alsayyed, N. (Eds.), *Dwellings, Settlements and Tradition: Cross-*Cultural Perspectives, Lanham: MD; University of America, 1989.

Shils, E. Tradition, Faber and Faber, London, 1981.

The Concise Oxford Dictionary. 4th ed., Oxford: Clarendon Press, 1954.

Williams, Raymond. Keywords: A Vocabulary of Culture and Society, London: Fontana, 1976.

Tuan, Yi-Fu . "Traditional: What Does it Mean?", in Bourdier, J.P., and Alsayyed, N.(Eds.), *Dwelling, Settlements and Tradition: Cross-Cultural Perspectives*, Lanham, MD: University of America, 1989.

Upton, Dell and Vlach. Common Places: *Reading in American Vernacular Architecture*, USA: University of Georgia Press, 1986.

www.SID.ir